

بررسی ارزش شناسی فارابی ودلالات های آن در تعلیم و تربیت

مختار رنجبر^۱، نهضت صفایی^۲، پروانه دودمان^۳

^۱ استادیار گروه مدیریت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

^۲ دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

^۳ عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

پروانه دودمان

fdoodman@gmail.com

چکیده

از دیدگاه فارابی، ارزش ها از معقولات ثانویه ی فلسفی است. او ارزشهای اساسی را مطلق می داند. به نظر وی، غایت اخلاق، تحصیل سعادت است. براساس دیدگاه ارزش شناسی فارابی، مهمترین اهداف تربیت اخلاقی عبارت است از شناخت و ایمان به خدا، تقرب به خدا، سعادت، تفکر و تأمل و اعتدال. فارابی در تبیین اندیشه های تربیتی خود با الهام از مبانی دین اسلام، انسان را موجودی از خدا و عائد به سوی خدا می داند. با توجه به آنکه وی معتقد است اخلاق تغییرپذیر و در نتیجه، امری اکتسابی است و از سویی، هیچ فضیلتی برای انسان فطری و طبیعی نیست، و در فطرت هیچ انسانی از ابتدای خلقتش کمال وجود ندارد، در نتیجه، همه افراد را برای رسیدن به سعادت و کمال نیازمند به تعلیم و تربیت به واسطه افعال ارادی می داند. وی تحصیل فضایل مختلف را از دو طریق «تعلیم» برای ایجاد فضایل نظری، و «تأدیب» برای ایجاد فضایل اخلاقی و عملی دانسته و طریق دستیابی به سعادت را شناخت سعادت و عوامل آن، خواست و اراده، و عمل معرفی می کند. اندیشه های تربیتی فارابی تحت تأثیر دیدگاه فلسفی وی بوده و تا حدی انتزاعی است، از این رو به نظر می رسد چنین دیدگاهی آرمان گرایانه و تا حدی دست نایافتنی باشد.

واژگان کلیدی: فارابی، تعلیم و تربیت، اصول و روش های تربیتی، اخلاق

مقدمه

محمد ابن محمد بن طرخان اوزلغ، مقلد به ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ه ق) در جایگاه یک فیلسوف مسلمان درباره ی مبحث ارزشها به عنوان یکی از محورهای فلسفه تاملات خاصی داشت. یکی از بنیادی ترین مسائل مورد توجه اندیشمندان مسلمان، علمای اخلاق و فلاسفه از دیرباز، مسئله تعلیم و تربیت بوده است. غایت و هدف تعلیم و تربیت، شیوه های آن و نهایتاً اینکه انسانی که محصول تعلیم و تربیت است، چگونه انسانی خواهد بود، همواره موضوعاتی مهم و چالش برانگیز بوده است.

اندیشه و نظام تربیتی هر مکتبی تحت تأثیر نگرش آن مکتب به هستی، زندگی و انسان است تا آنجا که فرایند تعلیم و تربیت را در آن مکتب، سمت و سو می بخشد، از این رو تحقیق و تفحص در حقیقت و طبیعت انسان از اساسی ترین اموری است که در فلسفه تربیت بدان پرداخته می شود و بر اساس، آن ویژگی های نظام تربیتی مشخص شده و عوامل تربیتی تأثیرگذار بر انسان، توانایی و امکانات او برای تغییر مطلوب، و در یک کلام، میزان تربیت پذیری او معلوم می شود (ایمانی، ۱۳۹۵).

در این راستا فلاسفه مهم ترین نقش را در تدوین مکاتب تربیتی ایفا کرده اند. آنان با ارائه نظام خاصی که برگرفته از چگونگی تفکرشان به جهان هستی و انسان بوده است، در صدد تبیین آرای تربیتی خود برآمده اند. در حقیقت، فلاسفه با ارائه آرای تربیتی خود و اهداف و غایات آن و نیز به چالش کشیدن اندیشه های تربیتی دیگر، همواره مؤثرترین عامل بر روند تربیت بوده اند، به گونه ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی باید برخی از بنیان های فلسفی را پذیرفت. اندیشه و نظام تربیتی هر مکتبی تحت تأثیر نگرش آن مکتب به هستی، زندگی و انسان است تا آنجا که فرایند تعلیم و تربیت را در آن مکتب، سمت و سو می بخشد، از این رو تحقیق و تفحص در حقیقت و طبیعت انسان از اساسی ترین اموری است که در فلسفه تربیت بدان پرداخته می شود و بر اساس، آن ویژگی های نظام تربیتی مشخص شده و عوامل تربیتی تأثیرگذار بر انسان، توانایی و امکانات او برای تغییر مطلوب، و در یک کلام، میزان تربیت پذیری او معلوم می شود (خادمی، ۱۳۹۵).

در این میان، فارابی به عنوان اولین فیلسوف بزرگ اسلامی، با بهره گیری از افکار و اندیشه های دو فیلسوف نامدار یونانی، افلاطون و ارسطو، و گزینش عقلانی آرای آنها در زمینه تعلیم و تربیت و تأیید و تقویت آن در بستر اندیشه دینی توسط آموزه های دینی، توانست نظام تربیتی نوینی را پایه گذاری کرده و در ارائه آرا و نظریه های فیلسوفان اخلاق پس از خود تأثیر غیرقابل انکاری را داشته باشد. که در این مقاله به بررسی ارزش شناسی فارابی و سپس به دلالت های آن بر تعلیم و تربیت بحث شده است.

روش شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف نظری و از نظر نوع داده ها کیفی است که بر پایه مطالعات کتابخانه ای و از نوع تحلیل اسناد است که برای تحلیل داده ها از رویکرد توصیفی-تفسیری استفاده شده است که در این روش به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام دار انجام شده است در واقع قلمرو این تحقیق را متن های مکتوب شفاهی و تصویری درباره موضوع تشکیل می دهد.

یافته ها

اندیشه ها و دیدگاه فلسفی فارابی؟ او یکی از شارحان برجسته ی آثار ارسطوست و در نشر اندیشه ی یونانی در میان مسلمانان سهمی به سزا دارد و پس از ارسطو، کسی را به رتبه ی او در آگاهی برشاخه های گوناگون دانش نمی شناخته اند. از ویژگی های اندیشه ی او کوشش عمیق در نزدیک ساختن مبانی فلسفه به دین، یا حکمت به شریعت است. وی نه مانند غزالی به طرد فلسفه برای دفاع از شریعت پرداخت و نه مانند برخی دیگر فلسفه را بی نیازکننده از دین دانست؛ بلکه میان آن دو تضادی نیافت و به نظر وی حقیقت دین، حکمت است (افشارپور، ۱۳۹۵).

مؤلفه های نظام تربیتی فارابی (اصول و مبانی)؟ پیش از پرداختن به اندیشه های تربیتی فارابی، ضروری است به بیان اصول و مبانی ای پرداخته شود که وی ضمن پذیرش آنها، در پایه ریزی نظام تربیتی خویش آنها را به کار گرفته و به عنوان خشت های اولیه بنای فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت خود قرار داده است. "ماهیت و طبیعت انسان" از جمله اولین عناصری که در یک نظریه تربیتی فلسفی باید در نظر گرفته شود، موضع آن در برابر ماهیت و طبیعت انسان است (ربانی، ۱۳۹۵). از نظر فارابی انسان موجودی مرکب از روح مجرد و جسم مادی است که روح و نفس او اشرف از جسم و بدن است. او ضمن شمردن قوای مختلف انسان می گوید، نفس انسان پنج قوه ناطقه نظری، ناطقه

عملی، منتزعه، متخیله و حساسه دارد که از میان قوای مختلف، فقط قوه ناطقه نظری است که قدرت ادراک سعادت را دارد، آن هم در صورتی که بدان توجه و در تکمیل آن تلاش شود و از آن غفلت نشود؛ بدین بیان که آن‌گاه که آدمی مبادی و معارف اولیه را که از ناحیه عقل فعال به او اعطا شده است به کار بندد و به درستی بشناسد و به واسطه قوه نزوعیه، شیفته آن شود و در آنچه باید عمل کند، اندیشه نماید و سپس نتیجه اندیشه خود را به وسیله آلات و ابزار معده برای عمل، یعنی قوه نزوعیه، عمل کند و از طرفی قوه متخیله و حساسه او در این راه، مساعد و منقاد قوه ناطقه عملیه باشند و هر دو در تحریک آدمی به سوی آن افعالی که موجب نیل به سعادت است، او را یاری نمایند، در این وقت آنچه از آدمی آید همه خیر است و بنابراین، خیر ارادی تنها از این وجه آید (صبری، ۱۳۹۵). "لزوم زندگی اجتماعی" فارابی نیز همچون ارسطو معتقد است که انسان مفطور به زندگی و زیست اجتماعی است و به عبارتی موجودی است که ضرورتاً مدنی‌الطبع می‌باشد، زیرا انسان برای برآورده کردن نیازهای خود چاره‌ای جز تعامل اجتماعی و تعاون و همکاری با دیگران ندارد. وی بر این باور است که همکاری و تعاون انسان فقط به سبب نیاز و در نتیجه، رفع نیازمندی‌ها و وسیله‌ای برای ادامه حیات او نیست، بلکه او را بر تسلط و چیرگی بر شرایط حیات قادر ساخته و راه رسیدن او را به کمال و سعادت هموارتر می‌کند (میرزااحمدی، ۱۳۹۰).

دیدگاه‌های ارزش‌شناسی فارابی؟ شناخت و بررسی عمومی ارزش‌ها را از حیث ایجاد و منشأ تکوین، ماهیت، نسبی یا مطلق بودن، عینی یا ذهنی بودن، فطری یا اکتسابی بودن، تاریخی یا غیر تاریخی بودن، منبع و مصادیق آن و مباحث دیگر «ارزش‌شناسی» می‌گویند (میرزااحمدی، ۱۳۹۵). و اما بررسی چند ارزش از دیدگاه فارابی: "حسن و قبح"، فارابی مانند معتزله و تشیع قایل به حسن و قبح عقلی است اما اصل اولویت ذاتی را که معتقد عدلیه است، بی اعتبار می‌داند. فارابی همه ی کاینات را اعم از خیر و شر، مستند به اسباب و منبعث از اراده ی ازلیه و واجب به ایجاب آن می‌داند. فارابی، هیچ موجودی را خارج از قضا و قدر نمی‌داند و اگر در قول به حسن و قبح عقلی با معتزله شریک است، مثل معتزله نمی‌گوید که عقل به تساوی، در ذات آدمیان قرار گرفته و تشخیص حسن و قبح را مستند به عقل، به معنایی که معتزله از آن مراد می‌کنند، نمی‌سازد؛ بلکه حسن و قبح را در نظام کلی عالم و در قضا و قدر الهی می‌داند. "اعتبار ارزش اخلاقی" ارزش اخلاقی در جایی به کار می‌رود که انسان فعلی را با اختیار انجام دهد و آن فعل مطلوب آدمی باشد؛ اما هر مطلوبیتی در اینجا منظور نیست؛ بلکه مطلوبیت عقلایی منظور است؛ یعنی کاری که از روی اختیار و به هدایت عقل صورت گیرد. فارابی بر این عقیده است که افعالی می‌تواند موجب رسیدن به کمال شود که از اراده ی انسان سرچشمه گرفته باشد که اراده سه نوع است، حسی، خیالی و عقلی، (مسکویه، ۱۳۹۰). اخلاق از نظر فارابی عبارت است از «آن هیئت نفسانی که موجب می‌شود افعال انسان و عوارض نفسانی او ستوده یا نکوهش شود» که اگر آن هیئت نفسانی، شناخت انسان را نیکو و موافق با واقع سازد، «خلق جمیل و قوه الذهن» جهت عکس آن باشد، «خلق قبیح» نام دارد در واقع فضیلت اعتدال و میانه روی است. افعال وقتی متوسط باشند، فعل «جمیل» و چون از اعتدال خارج شوند، «قبیح» می‌گردند اعم از اینکه به زیاده مایل باشند یا نقصان. و نیز وقتی فارابی از سعادت سخن می‌گوید سعادت دنیوی و اخروی، هر دو را مد نظر قرار می‌دهد. از نظر وی عوامل انسانی یا فضایل وقتی جزو صفات امت جامعه و قومی از مدینه قرار گیرد، سعادت دینی و عقلی تأمین می‌شود (میرزااحمدی سرپر، ۱۳۹۵).

انواع فضایل از دیدگاه فارابی عبارتند از: "فضایل نظری" که عبارتند از علوم و آنچه از آن جمله است. آنچه از آغاز امر برای آدمی حاصل شده، بدون آنکه بدانند از کجا و چگونه. اینها مبادی اولیه معرفت هستند و سایر علوم به تأمل و تحقیق و استنباط در اثر تعلیم و تربیت حاصل شده‌اند (فارابی، ۱۳۹۳).

"فضایل فکری" چیزهایی هستند که استنباط چیزی را که نافع‌تر است، برای نیل به هدف عالی امکان‌پذیر می‌سازند. از این‌رو، آنها را فضایل «فکری مدنی» خوانده‌اند و فضایل فکری از فضایل نظری جدا نیستند. "فضایل اخلاقی" فضایی هستند خواستار خیر، و پس از فضایل فکری جای دارند؛ زیرا شرط به دست وردن فضایل اخلاقی فضایل فکری است. برخی از فضایل اخلاقی و فضایل فکری فطری‌اند و برخی دیگر ارادی، و اراده مکمل امور فطری است. "فضایل عملی" فضایی هستند که حالت عملی به خود می‌گیرند و در اعمال و کارهای روزانه تحقق پیدا می‌کنند (طوسی، ۱۳۹۴).

راه سعادت از دیدگاه غزالی؟ سعادت انسان حاصل آگاهی از خیر و انجام آن و بنا بر این، حاصل قوه ی ناطقه است. برای رسیدن به سعادت باید فضایل را در خود پدید آورد؛ یعنی باید هیئت‌های نفسانی را که شناخت و عمل انسان را چنان می‌سازد که سعادتمند شود، به نام دارند. آن هیئت «خلق جمیل و قوه الذهن» است (شیرازی، ۱۳۷۹).

روش تغییر اخلاق از نظر فارابی؟ روشی که فارابی برای تبدیل خلقی به خلق دیگر پیشنهاد می کند، چنین مراحل دارد، نخست باید هر فرد تشخیص دهد که چه خلقی دارد. برای رسیدن به این تشخیص باید ببینند افعالی که به آسانی انجام می دهد جمیل است یا قبیح، سپس در صورتی که افعال او جمیل است، باید بکوشد از هیئت نفسانی ای که موجب بروز افعال جمیل است، محافظت کند؛ ولی اگر افعالی که به آسانی انجام می دهد، با اخلاق ناپسند سازگاری داشت یعنی جمیل نبود، باید به تغییر آن همت گمارد صاحب اخلاق ناپسند، پس از آنکه از کیفیت اخلاق خویش آگاه شد و دانست که خلقی ناپسند دارد، به کیفیت خلق خویش می نگرد که آبیشتتر از حد متوسط است یا کمتر و در هر صورت، مدتی خود را بر انجام افعالی درجانب مخالف و امی دارد؛ چنان که اگر خلق او در جانب نقصان است، خود را به افعال در جانب زیادت و امی دارد و به عکس. پس از مدتی، در صورتی که حال او به گونه ای شد که افعال متوسط و متناسب با خلق متوسط بر او سهل باشد، به خلق جمیل دست یافته است (باقری، ۱۳۷۷).

جایگاه تربیت اخلاقی در اندیشه ی فارابی؟ تربیت اخلاقی فرایند زمینه سازی و به کارگیری شیوه هایی برای شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیر اخلاقی، در خود انسان یا دیگری است. فارابی از آن دسته اندیشمندانی است که معتقدند کمال وجودی انسان، از ابتدا، در وجودش بالفعل نیست و می گوید، در فطرت هیچ انسانی، از ابتدای آفرینش او کمال وجود ندارد؛ چون فطرت، ترکیبی از امور متضاد است. به نظر فارابی، از آنجا که مقصود وجود انسانی رسیدن به سعادت است و برای رسیدن به این مقصود مهم، انسان نیاز دارد عوامل و وسایطی را بشناسد، لازم است، در مسیر صحیح تربیت قرار گیرد (توانا، ۱۳۹۵). به نظر فارابی، تربیت اخلاقی باید فرد را راهنمایی کند تا در جست و جوی علتی باشد که همه ی موجودات از آن سرچشمه می گیرند و به آن پایان می یابند. از نظر فارابی چون افراد انسانی به لحاظ طبیعت، با یکدیگر تفاوت دارند و هیچ فردی مفطور به شناخت سعادت و عوامل آن نیست، از این رو چنین افرادی نیازمند به معلم و راهنما هستند، البته با این تفاوت که نیاز افراد به راهنمایی و ارشاد نیز مختلف است چون هدف از آفرینش وجود انسان این است که به سعادت نهایی برسد او متعلمان را به سه دسته تقسیم می کند: دسته اول، کسانی که ممکن است بخواهند از علم خود در جهت شر بهره ببرند که باید در تهذیب اخلاق آنها کوشید و شرارت طبع آنها را شناساند. دسته دوم، کودکان هستند که باید دید چه علمی برای آنها سودمند است و آنها را در آن جهت هدایت کرد و دسته سوم، افراد هوشمندی که نباید هیچ گونه کاستی در تعلیم و تربیت آنها راه یابد و در حق آنها از هیچ امری نباید دریغ کرد فارابی در امر تعلیم و تأدیب و به تبع آن به سعادت رساندن افراد، علاوه بر آنکه معتقد است همه انسانها فطرت مشترک دارند، اما نظر و توجه به اصناف مختلف امتها و اقوام و خصوصیات و ویژگیهای هریک را برای تسهیل در امر تعلیم و تربیت ضروری و لازم می داند بسیار روشن است زمانی که فارابی در امر تعلیم و تأدیب به تفاوت های فردی از جهت استعداد توجه دارد، قطعاً برای افراد متفاوت، شیوه ها و روش های مختلف و متناسب با آنها را نیز پیشنهاد می دهد (ارسطو، ۱۳۹۴).

اهداف تربیت اخلاقی فارابی؟ هدف در تعلیم و تربیت به معنی وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن فعالیت ها ی مناسب تربیتی انجام می گیرد. هدف های تربیتی سه کارکرد دارد، رهبری فعالیت های تربیتی، ایجاد انگیزه در فرد و ارایه ی معیاری برای ارزیابی فعالیت های تربیتی هدف تربیت اخلاقی ارایه ی تدبیرهایی برای وصول سعادت و کمال مطلوب انسان در حوزه ی صفات، حالات و افعال اختیاری اوست. که شامل اهداف غایی و واسطی است که «اهداف غایی» از دیدگاه فارابی، به دو دسته ی که در عرض هم است، تقسیم می شود و «اهداف واسطی» در طول (و بالای) اهداف دیگر واقع می گردد اهداف غایی، این نوع اهداف، ناظر به کیفیات مطلوبی است که اختصاص به شأن معینی ندارد و همه ی شئون و ابعاد آدمی را شامل می شود. مهم ترین اهداف غایی تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی، عبارت است از: ۱. شناخت و ایمان به خدا؛ ۲. تقرب به خدا؛ ۳. سعادت.

۱. شناخت و ایمان به خدا: معلم ثانی غایت معرفت را نیل به سعادت می داند. برترین مرتبه ی معرفت انسان شناخت خداوند است و با شناخت و ایمان به اوست که فرد به سعادت می رسد.

۲. تقرب به خدا: تقرب به معنی نزدیکی به خداست و آشکار است که این نزدیکی مکانتی است؛ نه مکانی. فارابی برای رسیدن به مقام قرب الهی دل کندن از تعلق به مادیات و تجرد از آن و تلاش برای رسیدن به عقل مستفاد و اتصال به عقل فعال را لازم می داند

۳. سعادت: فارابی معتقد است که هدف اصلی از اخلاق، تحصیل سعادت است و سعادت آخرین هدفی است که آدمی برای وصول به آن می کوشد (شیرازی، ۱۳۷۹).

اهداف واسطی: این نوع اهداف، ناظر به کیفیت های مطلوبی است که به هر یک از بعدهای وجودی آدمی مانند بعد شناختی یا اخلاقی و یا کیفیت های جزئی تر مربوط می شود. مهم ترین اهداف واسطی، از دیدگاه فارابی عبارت است از: تفکر و تأمل، تعقل و اعتدال، که با تفکر و تأمل می توان به خدا و موجودات الهی نزدیک شد؛ پس در واقع، سعادت در تفکر و تأمل و در نتیجه، در قرب به خداست، تعقل، نفس کمال تن و عقل کمال نفس است. به نظر فارابی، هدف، کمال قوه ی عاقله است در دو بخش عملی و نظری و اصالت از آن کمال و رشد عقل نظری است. و نیز عمل صالح، عملی است که در حد اعتدال باشد زیرا خلق جمیل حاصل می شود افراط برای نفس و بدن مضر است. یکی از اهداف مهم تربیت اخلاقی، رسیدن به اعتدال در امور و اعمال و رفتار اشخاص است (باقری، ۱۳۷۷).

اصول و روش های تربیتی فارابی؟ اصل اول، استمرار در تغییر اخلاق و رفتار از نظر فارابی تغییر اخلاق و رفتار برای انسان ممکن است؛ چرا که اخلاق و رفتار، اعم از قبیح و جمیل، اکتسابی است. در مورد شخصیت نیز که مجموعه ای از فضایل چهارگانه نظری، فکری، خلقی و صناعات عملی است، فارابی معتقد است فضایل حتی نسبت به اشخاص مختلف متفاوت است و اما اصل دوم، تدریجی نمودن پرورش اخلاقی فارابی برای رسیدن به سعادت و کمال غایی، مراتبی را در نظر می گیرد که از قوه ناطقه (عقل نظری) آغاز می شود و سپس به مرتبه عقل بالفعل رسید. وی معتقد است که مسیر تکامل روحی انسان به گونه ای نیست که بتوان در زمان کوتاه به و به سادگی به نتیجه نهایی رسید، بلکه تربیت، یک فرایند و جریان مستمر است که نیاز به زمینه سازی و رفع موانع دارد. پس در تربیت باید با مرحله ای کردن تربیت و فرصت دادن به مرتبه ای، او را در رسیدن به مقصد یاری کنیم (ناظرزاده، ۱۳۹۴). اصل سوم، تحول در نگرش است در فلسفه فارابی به «جوده رای» و «تسدید» اشاره شده است که به معنی اندیشه درست و رأی محکم است. بر اساس تحقیق و دقت فراوان و از راه تعلیم و تربیت حاصل می شود. این اصل به این معنی است که تربیت باید در دیدگاه و نگرش فرد نسبت به امور، دگرگونی و تحول ایجاد کند؛ زیرا نوع نگرش فرد بر رفتارها و اعمال او تأثیر مستقیم دارد اصل چهارم، عدالت ورزی فارابی است کمال مخصوص انسان، سعادت است. هر انسان، واجد رتبه ای خاص از سعادت می گردد. با توجه به این اصل، باید ظرفیت افراد مختلف و مراحل مختلف زندگی فرد در امر تربیت رعایت شود و رابطه تربیتی به صورت موازنه تنظیم شود تا موجب گریز و انزجار متری نشود اصل پنجم: بالندگی عقلانی است برای رسیدن به هدف تعقل، باید به اصل بالندگی عقلانی توجه کرد. فارابی عقل را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می کند. اصالت را به رشد و کمال عقل نظری می دهد و برای رشد و شکوفایی عقلانی، به ویژه عقل عملی، به عمل و رفتار اهمیت خاصی می دهد؛ یعنی انسان کارهای خود را از روی عقل انجام دهد و تعقل کامل سلیم و ورزیده داشته باشد تا به نهایت کمال و سعادت نایل آید.

اصل ششم، تحول در موقعیت اجتماعی یکی از اصول تعیین کننده برای نیل به سعادت، تحول در موقعیت اجتماعی است. مدینه فاضله فارابی نیز به همین منظور طراحی می شود. پس طبق نظر فارابی باید موقعیت اجتماعی و محیط زندگی افراد به سمت مدینه فاضله سوق داده شود تا زمینه سعادت فردی و اجتماعی اعضای جامعه فراهم شود. تغییر روابط آدمی با موقعیت های مختلف اجتماعی و محیطی، منشأ تغییرات بسیاری در رفتارهای فردی او می شود (ایمانی، ۱۳۹۵).

روش های تربیتی فارابی؟ "پیشگیری" امر به معروف و نهی از منکر فارابی اهل مدینه را مانند اعضای یک تن می داند که همه در سرنوشت هم سهیم اند بنابراین، برای ایجاد فضایل در جامعه که نفع همه در آن است، امر به معروف لازم است و برای جلوگیری از ایجاد یا رشد رذایل، پیشگیری و نهی از منکر لازم و ضروری است. "تغییر موقعیت اخلاقی" به نظر فارابی، یکی از روش های تغییر موقعیت و اصلاح آن، این است که اگر فرد در موقعیت نامطلوبی مانند حالات یا افعال قبیح قرار گرفته است، این موقعیت، تغییر یابد و به موقعیت حالات و افعال ضد آن تبدیل گردد تا حال او به گونه ای شود که افعال متوسط و متناسب با خلق جمیل، بر او آسان شود. "معرفی الگوی اخلاقی" در تربیت اخلاقی، الگوها تأثیر بسیار زیادی بر متربیان که در جریان تربیت، به سمت اهداف مشخصی حرکت می کنند دارند.

فارابی، الگوها را این گونه معرفی می کند: نفوس زاکیه ای که از همه ی حجاب های ظلمانی و شهوات و انانیت نفسانی رها شده اند و به مقام شهود و اتصال رسیده اند (ارسطو، ۱۳۹۴).

بحث و نتیجه گیری

فارابی انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که می‌تواند در سایه زیست اجتماعی و تعامل با دیگر هم‌نوعان خود، نیازهایش را برطرف کند. او غایت زندگی انسان را تحصیل سعادت دنیوی و اخروی تلقی می‌کند که سعادت دنیوی مقدمه‌ای برای رسیدن به سعادت اخروی است و این مهم جز از طریق کسب فضایل چهارگانه و عمل به فضایل میسر نیست. اما چون هیچ انسانی مطلقاً بر فضایل نیست، از این‌رو برای شناخت آنها و نیز چگونگی کسب و تحصیل و عمل بدانها نیازمند به معلم و راهنماست که این امر اهمیت زیاد تعلیم و تأدیب را در نظر فارابی نمایان می‌کند. اما فارابی انسان‌های تربیت‌یافته را بستر ساز ایجاد «مدینه فاضله» می‌داند که اهالی و ساکنان آن در سعادت و نیکبختی کامل به سر می‌برند و در واقع، در سایه تعلیم و تربیت صحیح، افراد آمادگی ایجاد مدینه فاضله‌ای را پیدا می‌کنند که دستیابی به سعادت جز از طریق تحقق آن امکان‌پذیر نیست اگر چه فارابی در مباحث تربیتی خود، بخصوص موضوعات فلسفی و اهداف اجتماعی تربیت، بسیار متأثر از افلاطون است، اما زبان او در بیان اصول تربیتی و اخلاقی، زبان قرآن و دین اسلام است. از دیدگاه فارابی، ارزش‌ها از معقولات ثانویه فلسفی است. او ارزش‌های اساسی را مطلق می‌داند. به نظر وی، غایت اخلاق، تحصیل سعادت است. براساس دیدگاه ارزش‌شناسی فارابی، مهمترین اهداف تربیت اخلاقی عبارت است از شناخت و ایمان به خدا، تقرب به خدا، سعادت، تفکرو تامل و اعتدال. در این راستا فلاسفه مهم‌ترین نقش را در تدوین مکاتب تربیتی ایفا کرده‌اند. آرا تربیتی فارابی تا حدی انتزاعی است، از این‌رو به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی آرمان‌گرایانه و تا حدی دست‌نیافتنی باشد.

منابع و مراجع

- [۱] ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی تبریزی، چاپ سوم، تهران، طرح نو، ۱۳۹۴.
- [۲] ایمانی، محسن، «ارزش شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی»، تربیت اسلامی، ش ۷، س ۳، پائیز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۸۱-۱۰۴.
- [۳] افشارپور، مجتبی، برهان معرفت نفس از فارابی تا صدرای شیرازی، فصلنامه انسان پژوهی دینی، شماره ۳۵، ۱۳۹۵، صص ۷۵-۵۱.
- [۴] باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات اسلامیه ۱۳۷۷.
- [۵] توانا، محمدعلی، بررسی مدینه فاضله فارابی، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۲۳، ۱۳۹۵، ص ۲۵۵.
- [۶] خادمی، عین اله، «تحلیل معنای سعادت از دیدگاه فارابی»، دانشگاه قم، ش ۲، س ۱۰، زمستان ۱۳۹۵، ص ۸۱-۱۰۷.
- [۷] داوریاردکانی، رضا، فارابی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴.
- [۸] ربانی، رسول و همکاران، «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم»، مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، تعلیم و تربیت اسلامی (۹)، ش ۷۸، س ۱۷، ۱۳۹۵، صص ۷۵-۱۰۱.
- [۹] شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا)، الحکمة المتعالیه فی الأسفار الأربعة العقلیه، قم، منشورات مصطفوی، ۱۳۷۹.
- [۱۰] صبری، علی، رابطه سعادت و فضیلت از دیدگاه ارسطو و فارابی، مجله الهیات تطبیقی، شماره ۱۶، ۱۳۹۵، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- [۱۱] طوسی، نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چ پنجم، خوارزمی، ۱۳۹۴.
- [۱۲] فارابی، ابونصر، سیاست مدنی، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۹۳.
- [۱۳] میرزا احمدی، صادق، رابطه بین فضایل اخلاقی و عقلانی فارابی، پژوهشنامه اخلاق، شماره ۳۱، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷.
- [۱۴] میراحمدی سرپیری، صادق، مسئله ارتباط فضایل از نظر فارابی، فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره ۱۷، ۱۳۹۵، ص ۷۷.
- [۱۵] مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی، اساطیر، ۱۳۹۰.
- [۱۶] میرزا محمدی، محمدحسن، «بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی»، روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۲، س ۳۳، ۱۳۹۵، ص ۲۰۳-۲۲۷.
- [۱۷] ناظرزاده کرمانی، فرناز، اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی، تهران، دانشکده الزهرا، ۱۳۹۴.